

ارانی نخستین مروج بزرگ، پیگیر و دلیر فلسفه انقلابی و علمی عصر ما در ایران طی دوران تسلط استبداد و پیشروی فاشیسم در جهان بود. وی علم و عمل، عقیده و جهاد را با هم همراه کرده بود.

ماهنامه

مردم

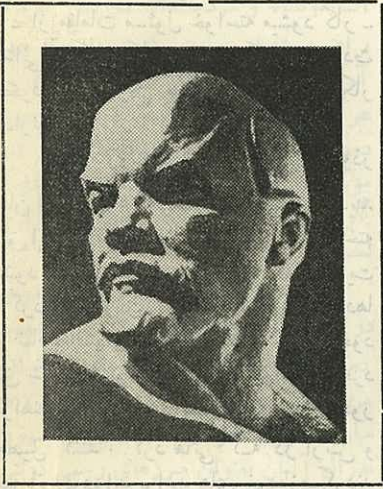
ارگان مرکزی حزب توده ایران

در کنفرانسهای علمی

بمناسبت سده میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین

موافق تصمیم پلنومهای ۱۲ و ۱۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران در آستانه سده میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین پیشوای داهی زحمتکشان جهان سه کنفرانس علمی با شرکت رفقای حزبی ما در خارج از کشور دایر گردید. در نخستین کنفرانس علمی رفیق کهنسال ما سیروس بهرام (آخوند زاده) که اینک ۸۶ - مین سال زندگی خود را می گذراند تحت عنوان «دیدار من با لنین نابغه کبیر پرولتاریای جهان» سخنرانی کرد. رفیق سیروس بهرام که در موقع خود ماهنامه مردم و مجله دنیا زندگی او را منتشر کرده اند، تنها کمونیست زنده ایرانی است که به افتخار ابدی دیدار با لنین نائل آمده است. در این کنفرانس تحت عنوان «تأثیر اندیشه

بقیه در صفحه ۷



دکتر ارانی

دانشمند مجاهد و شهید

(بمناسبت سی سالگی شهادت وی - بهمن ۱۳۴۸ - ۱۳۱۸)

۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۴۸ درست سی سال از شهادت دکتر تقی ارانی میگذرد. در چنین روزی در سال ۱۳۱۸ در دوران سلطنت استبدادی رضا شاه پهلوی در بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران بدستور شاه و رئیس شهربانی وقت سرپاس مختاری (رکن دنباله در صفحه ۴



ارانی شعله‌ای جاوید

سی سال پیش، در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ قلب سوزان ارانی، دانشور، مارکسیست، انقلابی جانباغ و میهن پرست پر شور در سیاه چالی که واضعین «قانون سیاه» برای نابودی آزادخواهان ایجاد کرده بودند، از تپش باز ایستاد.

تقی ارانی در سال ۱۲۸۱ در خانواده یک کارمند ماله در تبریز بدنیا آمد. از پنج سالگی بعزت تغییر محل مأموریت پدرش مقیم تهران شد، در سال ۱۲۹۹ تحصیلات متوسطه خود را در دارالفنون به پایان رساند. سالهای جوانی ارانی مصداق بارویداد های بزرگ در جهان و ایران بود. نخستین جنگ جهانی و نبرد آشکار و

دنباله در صفحه ۷

سخنان ارانی

چطور میتوان عقایدی را قدغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشر شروع شده، در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کمالا علمی و منطقی اظهار نظر مینماید.

هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود باندازه سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن کتاب تألیف و باین کثرت انتشار یافته باشد.

آیا ممکن است قوانینی که بدست اقلیت وضع شده است شفاف و حاکی از عدالت باشد؟

فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد.

بقیه در صفحه ۷

شاد باش به دلیر اول

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق رضا رادمنش

بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد

رفیق و دوست عزیز،

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و کمیته مرکزی و تمام رفقای حزبی شصت و پنجمین سال تولد شما را بشما صمیمانه شادباش میگوید.

شما از اوان جوانی پای در راه مبارزه انقلابی نهادید و طی این مدت وفاداری خویش را برای طبقه کارگر و اندیشه تانک مارکسیزم لنینیسم، به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بی خذل نگاهداشتید.

شما بعنوان یکی از اعضا مبرز و قدیمی رهبری حزب و کسی که سالیان درازی است در مقام پر مسئولیت دبیر اولی حزب توده ایران قرار دارید، تمام نیروی خود را صرف خدمت بحزب توده ایران کرده اید. ما برای شما، دوست و رفیق عزیز، عمر دراز و کامیابی در راه خدمات بیشتر بحزب و مردم ایران را آرزو مندیم.

با درود صمیمانه حزبی
هیئت اجراییه حزب توده ایران

نامه شادباش

رفیق والتر اولبریش

بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد

رفیق رضا رادمنش

بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد رفیق رضا رادمنش دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب دبیر اول حزب سوسیالیست متحد آلمان رفیق والتر اولبریش نامه زیرین

دنباله در صفحه ۷

کودتای نافر جام ارتجاع و امپریالیسم در جمهوری عراق

جریان توطئه

شب ۲۱ ژانویه کودتا - چنان مرکب از عناصر فوق العاده ارتجاعی؛ افسران سابق ارتش نوری السعید، نوکران شرکتهای نفتی یعنی عوامل مغرب امپریالیست های امریکائی و انگلیسی که عده ای از افسران ارتش عراق را بانواع حیل با خود همراه کرده بودند، دست بکار شدند. رهبران توطئه که از مدتها پیش مقدمات کار را تهیه دیده بودند، بطرف کاخ ریاست جمهوری رفتند و بمأمورین کاخ تهنیت گفتند و در همان موقع توقیف شدند. در واقع یکی از افسران مہن دوست که خود را در میان آنها جا کرده و مورد اعتماد آنها قرار گرفته بود آنها را ایدام انداخت. دولت عراق سرعت چهل و چهار نفر از توطئه گران را محاکمه و در ۴۸ ساعت اعدام نمود و با ضبط سلاح هائی که از طرف مأمورین سیا و ساواک در اختیار کودتاچیان گذاشته شده بود، خطر هزار گلوله ساخت آلمان غربی توقیف و در معرض تماشا گذاشته شد. بنظر میرسد که کودتاچیان در کار خود عجله کرده باشند. کشف توطئه که طبق نظر مقامات رسمی دولت عراق با کمک سازمان امنیت ایران و دستگاه جاسوسی امریکا ترتیب داده شده بود، موجب شد که دولت عراق فراخواندن عاملی سفیر، سرهنگ علائی وابسته نظامی و داود ظاهر دبیر سوم سفارت ایران و همچنین بستن تمام کنسولگریهای ایران را در عراق ظرف ۲۴ ساعت ضمن اعتراض شدید بدخالت آنها در امور عراق، از دولت ایران بخواهد. دولت ن نیز باین اقدام دولت عراق اعتراض و متقابلاً سفیر عراق و اعضاء سفارت و مأمورین کنسولگری های عراق در ایران را اخراج کرد و با اعزام نیرو های نظامی بیشتری به مرز های عراق دست یازید.

چرا توطئه کردند؟ - اقدامات دولت

عراق در زمینه سیاست نفت ملی، اجرای اصلاحات ارضی، برسمت شناختن جمهوری دموکراتیک آلمان، تحکیم و بسط مناسبات دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی، بستن قرار دادهای اقتصادی با کشور های سوسیالیستی از جمله قرار داد استخراج گوگرد بالهستان آغاز مذاکره با حزب کمونیست عراق مخصوصاً اقدامات جدی برای حل مسئله کرد که تا کنون قدمه های امید بخشی در راه حل آن برداشته شده، ارتجاع و امپریالیسم و متحدین آنها حکومت اسرائیل و ایران را بر آن داشت که قبل از پایان قطعی اختلافات بین دولت عراق و بارزانی، حکومت عراق را سرنگون کنند و رژیم دلخواهی بجای آن بنشانند. رئیس جمهور عراق احمد حسن البکر در میتینگ بزرگی که بمناسبت درهم شکستن توطئه در بغداد تشکیل شده بود،

گفت که امپریالیسم بین المللی و ارتجاع داخلی توطئه چیدند تا دست آورد های مردم عراق را نابود کنند و عراق را بار دیگر زیر یوغ بندگی امپریالیسم در آورند. این میتینگ بدنبال تظاهرات عمومی مردم بغداد هنگام تشییع جنازه دو نفر از سران که بدست توطئه گران کشته شده اند، تشکیل گردید.

حل مسئله کرد - اینک چند هفته است که بین حکومت عراق و بارزانی مذاکرات برای حل مسئله کرد با موفقیت جریان دارد و بیشتر می کند و امید است که بزودی مرحله قطعی و نهائی خود برسد. هم اکنون طرفین بمواقف نهائی رسیده اند که بر اساس آنها میتوان طرح مشخصی برای اجرای تصمیمات در چند مرحله تنظیم کرد. وجود اختلافات وزد و خورد مسلح با کرد ها باعث شد که حکومت های عراق ظرف مدتی قریب به نه سال یک میلیارد و پانصد میلیون دلار صرف جنگ داخلی کنند. بخوبی روشن است که با حل مسئله کرد بار سنگین هزینه نظامی ازدوش مردم برداشته و حکومت عراق از هر جهت تقویت خواهد شد. سد ام تکریتی معاون شورای انقلابی عراق چندی قبل در مصاحبه با مخبر پراودا در این باره اظهار داشت که در حال حاضر وضع کشور ما بجائی رسیده که حل مسئله کردستان و حل سرنوشت تمام مردم بهم مربوط است. تکریتی اضافه کرد ما هدفمان طبق مقتضیات روز نیست بلکه حل اساسی مسئله است. ما باید آنرا برای ابد حل کنیم تا نسل آینده از این بابت رنج نکشد. مخبر پراودا با ملا مصطفی بارزانی نیز مصاحبه کرده و اظهارات او را چنین نقل میکند: حل مسئله کرد بایستی بخشی از ترفی دموکراتیک عراق باشد و باستقلال عراق کمک نماید، از روی این اظهارات میتوان دریافت که طرفین ضرورت اقدامات مثبت را برای حل اختلاف درک کرده اند. حسن البکر رئیس شورای انقلابی عراق اخیراً مفهوم اعلامیه ۱۹۶۶ دولت عراق در زمان حکومت (الیزار) را برای حل مسئله کرد تأیید کرد.

اعلامیه دولت عراق - روز یکشنبه ۳۰ ژانویه ۱۹۷۰ دولت عراق از رادیو بغداد اعلام داشت:

«شورای فرماندهی انقلاب مفاد اعلامیه ژوئن ۱۹۶۶ مربوط بمسئله کرد را تأیید میکند طبق تعهد انقلاب مبنی بر حل مسئله کرد از طریق مسالمت آمیز و عادلانه و بر اساس علاقه ای که بایجاد شرایط لازم برای اجرای مفاد اعلامیه ۲۹ ژوئن دارد، تصمیمات ذیل را اتخاذ میکند: ۱ - تمام کسانی که در حوادث کردستان اعم از نظامی و غیر نظامی دنباله در صفحه ۷

روش ضد توده ای و ضد شوروی

کمک مستقیم به امپریالیسم و ارتجاع است

همکار امپریالیسم کیست؟

در این اواخر در چین تمام دستگامهای اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی به آماده کردن مردم برای «جنگ» مشغولند، جنگی که گویا بر ضد چین تدارک میشود. در نخستین لحظه اینطور بنظر میآید که برای کشوری که خود را سوسیالیستی مینامد و امپریالیسم را منشا جنگ میدانند، تدارک کنندگان ضد جنگ چین قاعدتاً باید امپریالیستها و قبل از همه امپریالیستهای امریکائی باشند و مردم چین هم باید آماده برای مقابله با امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم امریکا گردند. ولی آشنائی با سیاست گروه مائوتسه دون و آنچه که در چین برای «آمادگی جنگی» میگذرد ما را خیلی زود با حقیقت تلخی روبرو میسازد. چون این به اصطلاح آمادگی جنگی نه بر ضد امپریالیسم، بلکه بر ضد اتحاد شوروی نخستین و بزرگترین کشور سوسیالیستی انجام میگردد، و نه با افشاء ماهیت امپریالیسم، بلکه با سبلی از دشنام و اتهام به اتحاد شوروی همراه است. در واقع سیاست ضد شوروی گروه مائوتسه دون اوج جدیدی گرفته و به هیستری ضد شوروی تبدیل شده است.

شایان ذکر است که این هیستری ضد شوروی درست در زمانی رخ میدهد که از یکطرف بنا به ابتکار اتحاد شوروی و تحت فشار مقتضیات سیاسی داخلی و خارجی چین مجبور شده است بمذاکره با اتحاد شوروی برای حل اختلافات مرزی تن در دهد و از طرف دیگر پس از دو سال دوباره مذاکرات چین و امریکا آغاز شده و تدارک این مذاکره با رفع برخی محدودیتهای بازرگانی و توریستی از طرف امریکا بنفع چین همراه بوده است.

هیستری ضد شوروی و تدارکات جنگی بر ضد شوروی در زمانیکه مذاکرات بین شوروی و چین برای حل اختلافات مرزی جریان دارد این حقیقت را بیش از پیش بشوت میرساند که محرک اختلافات مرزی گروه مائوتسه دون بوده و هم این گروه است که نمیتواند و نمیگذارد که این مذاکرات به نتیجه برسد و اختلافات حل شود. علت آنهم روشن است. فلاکت و هرج و مرج ناشی از «انقلاب فرهنگی» که تمام شئون اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی را فرا گرفته، گروه مائوتسه دون را بر آن داشته است که برای انحراف افکار عمومی مردم چین یک دشمن خارجی، که در صدد حمله به چین است برترشد و این دشمن خارجی در چارچوب سیاست گروه مائوتسه دون البته اتحاد شوروی است! اینها همه البته نشانه ضعف است. حاکی از مشکلات گوناگونی است که چین در نتیجه سیاست ضد انقلابی گروه مائوتسه دون با آن روبروست. ولی این سیاست عمیقاً زیان بخش است و قبل از

همه دود آن بچشم مردم چین میرود. زیرا آنها هستند که باید بار سنگین مشکلات اقتصادی را بدوش بکشند و با محرومیت های گوناگون دست بگریبان باشند. آنها هستند که باید خفتان ناشی از دیکتاتوری نظامی مائوتسه دون را تحمل کنند. آنها هستند که باید از دوستی با سایر کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه اتحاد شوروی محروم گردند. و عواقب خطرناک آنرا بپذیرند.

سیاست گروه مائوتسه دون ضمناً کمک مستقیم به امپریالیسم و بیش از همه به امپریالیسم امریکاست. زیرا مگر نه اینست که از ضعف سیاسی و اقتصادی و نظامی چین، از به اصطلاح سوسیالیسمی که در چین توسط گروه مائو تبلیغ میشود، از روش ماجراجویانه و سکتاریستی چین در سیاست خارجی، از اختلاف و انشعاب در جنبش جهانی کمونیستی از اختلاف مرزی و برخورد نظامی با اتحاد شوروی، و بالاخره از این هیستری ضد شوروی فقط امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم امریکاست که سود میرود؟ مگر زمامداران امریکا بارها نکرده اند که از «موقعیت طلائی» اختلاف بین شوروی و چین باید حد اکثر استفاده را کرد؟ مگر تلاش دولت نیکسون برای نزدیک شدن به چین در جهت اجرای همین نقشه نیست؟ اشتباه نشود. ما کاملاً موافقم و لازم میدانیم که چین هم سیاست خارجی خود را بر پایه همزیستی مسالمت آمیز قرار دهد و بر این پایه با تمام دولتها و از جمله امریکا مناسبات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی داشته باشد.

بنابر این صحبت بر سر این نیست که چرا چین با کشورهای امپریالیستی روابط سیاسی و بویژه اقتصادی و بازرگانی دارد و میکوشد داشته باشد؟ سؤال اینست که چرا اتحاد شوروی که بار سنگین مقابله و مقاومت و مبارزه بر ضد امپریالیسم در درجه اول بر دوش اوست اگر همین سیاست همزیستی مسالمت آمیز را، که شکلی از مبارزه طبقاتی در صحنه جهانی است، دنبال کند «روزیونیست و همکار امپریالیسم امریکا» است؟ چرا چین بجای آنکه لبه تیز حمله را متوجه امپریالیسم و امپریالیسم امریکا سازد عملاً حلات خصمانه خود را متوجه اتحاد شوروی کرده است؟ آیا این همکاری با امپریالیسم امریکا نیست که آشکارا دشمن اصلی خود را اتحاد شوروی اعلام کرده و تمام نیروی سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی خود را بطور عمدتاً متوجه اتحاد شوروی کرده است؟ آیا دیگر هیچ سفسطه ای، هیچ جمله پردازی انقلابی میتواند ماهیت شورویستی و همزیستی مسالمت آمیز گروه مائوتسه دون و همکاری عمی آنرا با امپریالیسم امریکا بر ضد اتحاد شوروی بیوشاند؟

دنباله در صفحه ۵

ضرورت تاریخی همزیستی مسالمت آمیز بین دو دولت آلمان

در باره کنفرانس مطبوعاتی والتر اولبریش در دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان

روز دوشنبه ۱۹ ژانویه (۲۹ دیماه) سال جاری کنفرانس مطبوعاتی بزرگی در برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان تشکیل شد. خیر تشکیل این کنفرانس توجه فراوان محافل اجتماعی جهان را بخود جلب کرده بود. باامداد روز ۱۹ ژانویه گروه بزرگی از نمایندگان جراند و مجلات و مخبرین رادیو و تلویزیون از سراسر جهان و از جمله نیویورک، لندن و بن برای استماع سخنرانی والتر اولبریش دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان در بنای شورای دولتی آلمان سوسیالیستی گردآمده بودند. بسیاری از روزنامه نگاران کشورهای غربی که در صفحات روزنامه های خود در عدم شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان عناد میورزند در این سفر بار دیگر واقعیت عینی موجودیت این جمهوری مستقل حاکم بر حقوق خویش را برای العین مشاهده کردند. همه آنها برای ورود پایتخت آلمان سوسیالیستی می بایست از مقامات جمهوری دموکراتیک آلمان جواز رسمی دریافت دارند.

پیش از ۳۰۰ روزنامه نگار در تالار دولتی در انتظار سخنرانی رفیق والتر اولبریش بودند. پروفیسور آلبرت نوردن عضو بوری سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان کنفرانس مطبوعاتی را گشود و رشته سخن را به رفیق اولبریش سپرد. رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان ضمن سخنرانی عمیق و جامع خود محتوی طرح قرار داد پیشنهادی جمهوری دموکراتیک آلمان را در باره برقراری مناسبات مبتنی بر حقوق بین المللی میان دو دولت آلمان تشریح کرد و اظهاراتی را که ویلی براندت صدر اعظم آلمان غربی چند روز پیش از آن در مجلس آلمان غربی کرده بود مورد تحلیل نقاد قرار داد.

فقط یک راه وجود دارد

رفیق والتر اولبریش در آغاز سخن گفت:

موضوعی که در اینجا از آن سخن خواهد رفت چگونگی عقد قرار داد تنظیم مناسبات میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان غربی است که مسائل جنگ و صلح و آرامش و امنیت لازم برای کار سازنده انسانها و از جمله ملل اروپا را در بر

میگیرد. ضرورت تاریخی همزیستی مسالمت آمیز هر دو دولت آلمان و تجربه سالهای اخیر عقد قرار داد تنظیم مناسبات عادی مبتنی بر حقوق و موازین بین المللی و برابری حقوق و فوارغ از هر گونه تبعیض میان این دو دولت را ایجاب میکند. ما میدانیم که برای حصول این مقصود فقط یکراه وجود دارد و آنهم راه همزیستی مسالمت آمیز است. بهمین جهت بود که ما بار دیگر پیشگام شدیم و پیشنهاد کردیم که در ژانویه سال ۱۹۷۰ میان رئیس هیئت وزیران جمهوری دموکراتیک آلمان و صدر اعظم فدرال آلمان غربی مذاکراتی پیرامون این قرارداد صورت گیرد. والتر اولبریش خاطر نشان ساخت که جمهوری دموکراتیک آلمان با پیشنهاد عقد این قرارداد راه حل معقولی برای مسائل موجود نشان میدهد که منافع همگان را در بر دارد. هدف مساعی دولت جمهوری دموکراتیک آلمان بازداشتن آلمان غربی از سیاست تلافیجویی و جلوگیری از تسلیح اتمی و از سیاست جنگ و کمک بمبارزه ایست که مردم آلمان غربی و در درجه اول زحمتکشان و جوانان آلمان غربی در راه صلح و تأمین آینده بهروز خود انجام میدهند.

شکست کامل سیاست تلافیجویی

رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان نطق صدر اعظم آلمان براندت را در مجلس آلمان غربی «نطق مشحون از تضادهای عمیق» نامید و گفت صدر اعظم آلمان غربی در این نطق هیچگونه پیشنهاد سازنده ای که بسود تأمین همزیستی مسالمت آمیز میان دو دولت آلمان باشد مطرح نساخته است. رفیق والتر اولبریش افزود که سیاست تلافیجویی آلمان غربی با شکست کامل مواجه شد و اینک برای دولت بن فرصت نیکوئی دست داده است تا از تاریخ درس بگیرد و سیاست تلافیجویی را که هیچگونه دورنمایی برای آن متصور نیست بکلی ترک گوید.

والتر اولبریش به تحلیل مفهوم ملت آلمان که صد سال پیش بیسمارک اجزاء آنرا با «گوله و خون» بهم پیوند داده بود توجه فراوان معطوف داشت و گفت آلمان پس از هر جنگ کوچکتر از پیش شد و سرانجام امپریالیستهای آمریکا و آلمان غربی دست بدست هم دادند و ملت آلمان را تجزیه کردند و آنگاه این عمل را «با قرار دادهای یاریس که آندائز بر خلاف اراده مردم آلمان غربی آنها را امضا کرد تثبیت نمودند». اگر صدر اعظم براندت با این قرار دادها موافقت دارد و آنها را بقوت کامل خود باقی میداند با این وصف «چگونه میتواند از وحدت آلمان سخن گوید؟»

والتر اولبریش سپس خاطر نشان

ساخت که طرح قرارداد پیشنهادی جمهوری دموکراتیک آلمان در باره عادی کردن مناسبات میان دو دولت آلمان با اعلامیه جلسه ملاقات رهبران کشورهای سوسیالیستی، که در آغاز دسامبر سال گذشته در مسکو بر گزار شد مطابقت کامل دارد. صدر اعظم آلمان غربی و دولت او همراه با نمایندگان حزب دموکرات مسیحی پیشنهاد انعقاد قرار داد با جمهوری دموکراتیک آلمان را رد کردند و حال آنکه چنین قراردادی بویژه وثیقه تأمین صلح اروپا خواهد بود.

در آلمان غربی مدعیند که طرح این قرارداد گویا «حداکثر خواستههای» جمهوری دموکراتیک آلمان را در بر میگیرد. ولی اگر این طرح بدقت بررسی گردد دیده میشود که از هر جهت با موازین بین المللی مناسبات موجود میان دولتها و ملل مطابقت دارد و در آن هیچ پیشنهادی نیست که برای جمهوری دموکراتیک آلمان برتری قائل شود و حقوق جمهوری فدرال آلمان را خدشه دار سازد. طرح این قرار داد اصول برابری حقوق و نفی هر گونه تبعیض را ملاک قرار میدهد و بدینسان حداقل خواستههای جمهوری دموکراتیک آلمان را در بر دارد.

راه تحقق امکان خودداری از توسل بزور

رفیق والتر اولبریش سپس اظهارات براندت را درباره امکان مذاکرات پیرامون خودداری از توسل بزور در مناسبات میان دو دولت آلمان مورد تحلیل قرار داد و گفت اصولاً چنین پیشنهادی در طرح قرارداد

نیز مطرح شده است. وانگهی باید باین حقیقت بدیهی توجه داشت که قرار داد خودداری از توسل بزور فقط زمانی میان دو دولت منعقد میشود که آن دو دولت یکدیگر را بر پایه حقوق و موازین بین المللی برسمیت شناخته باشند. اگر دولت بن واقعاً خواستار پیشنهاد عقد چنین قراردادی با جمهوری دموکراتیک آلمان است باید جدی بودن این تمایل را با شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان بعنوان یک دولت حاکم بر حقوق خویش و عبارت دیگر با برقراری مناسبات مبتنی بر برابری حقوق با این دولت به ثبوت برساند.

والتر اولبریش در این زمینه تصریح کرد که انعقاد قرار داد خودداری از توسل بزور میان کشورهای سوسیالیستی از یکسو و آلمان غربی از سوی دیگر «امر مشترک کشورهای سوسیالیستی است».

سخنران ضمن اشاره بمسئله برلین گفت که این شهر «به جمهوری فدرال آلمان تعلق ندارد دهر گز هم بان تعلق نخواهد داشت». در باره تشکیل کنفرانس امنیت اروپا والتر اولبریش خاطر نشان ساخت که جمهوری دموکراتیک آلمان برای تدارک و برگزاری این کنفرانس تمام نیروی خود را بکار خواهد برد و ضمناً تصریح کرد که تمام دولت های اروپائی و از آنجمله هر دو دولت آلمان باید بر پایه برابری کامل حقوق در این کنفرانس شرکت کنند و دولت آلمان غربی که میکوشد شرکت خود را در این کنفرانس در گرو «تسایح مذاکرات میان

دو دولت آلمان» بگذارد باید از هر گونه مانوری در این زمینه دست بردارد. رفیق والتر اولبریش در پایان سخن رانی خود گفت:

اگر دولت آلمان غربی میخواهد سیاست انساندوستانه و خردمندانه در پیش گیرد باید برای همیشه از سیاستی که «ماهیت و هدف آن ضد انسانی و تجاوزکارانه است» و از هر گونه نقشه های تلافیجویانه علیه جمهوری دموکراتیک آلمان دست بکشد و در قبال موجودیت سوسیالیسم در خاک آن سازگار گردد. و اما شرط تحقق این هدف عبارت است از:

شناسایی بی چون و چرای وضع موجود در اروپا و بویژه شناسایی هستی دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان بر پایه حقوق و موازین بین المللی، شناسایی بی قید و شرط مرزهای میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان بعنوان مرزهای رسمی دولتی، امتناع کامل از دعوی انحصار حق نمایندگی سراسر آلمان و از «دکترین هالشتاین»، خودداری از هر گونه تبعیض در حق جمهوری دموکراتیک آلمان و اتباع آن و نیز برقراری مناسبات عادی میان دو دولت آلمان بر پایه حقوق بین المللی و برابری حقوق.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان پس از پایان سخنرانی خود به سئوالات عدیده ای که روزنامه نگاران مطرح ساختند و تعداد آنها از ۶۰ سئوال متجاوز بود پاسخ داد و از جمله در پاسخ سر دبیران دو روزنامه سندی یگانی آلمان غربی گفت: «تمام آنچه که ما میخواهیم و میبایست بگوئیم در طرح قرار داد پیش نهادهای خود گفته ایم و اکنون در انتظار پاسخ رسمی به پیشنهاد خویش هستیم».

شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان حکم زمان است

شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان اکنون به جنبشی مبدل شده است که روز بروز عده بیشتری از کشورهای جهان را فرا میگیرد. تنها طی یکسال و چند ماه اخیر جمهوری یمن، کامبوج، عراق، سودان، سوریه، مصر و کنگوی برازاویل جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت شناخته اند و در خود آلمان غربی نیز حتی در میان محافل حاکمه آن شناسایی این جمهوری پیوسته هواداران بیشتری پیدا میکند.

در این میان دولت ایران با سمت گیری یکجانبه بسود سیاست تجاوزکارانه کشورهای امپریالیستی و برخلاف روح زمان در عدم شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان عناد بخرج میدهد. به پیروی از همین سیاست دولت ایران چندی پیش روابط بسیار محدود اقتصادی و بازرگانی خود را نیز با این جمهوری بسود محافل تجاوزکار امپریالیستی آلمان غربی و آمریکا قطع کرد و برعکس روابط اقتصادی خود را با انحصارات تاراجگر آلمان غربی بیش از پیش توسعه داد.

دکتر ارانی دانشمند و مجاهد شهید

الدین) دکتر تقی ارانی را بنا بشیوه متداول در آن دوران یعنی با دغلی و فرومایگی تبه کاران جبون نابود کردند و بدین ترتیب دانشمند ترین روشنفکر ایرانی را که مدافع از عقیده و علم مردانه استاده بود بدیار نیستی فرستادند. ایران آنروز بوجود چنین کسیکه در علوم طبیعی و اقتصادی عصر خویش قوی چنگ بود و بی اغراق در گروه معدود روشنفکران آن زمان از جهت دامنه دانش و ژرفای آن همتائی نداشت نیاز بسیار داشت. ولی استبداد خونخوار را منافع ددمشانه خود گرامی تر بود تا مصالح فرهنگ و تکامل یک ملت. درخیم دست پلید خود را فرود آورد، بی آنکه پروا کند چگونه چرافی را خاموش میسازد.

در باره ارانی سخنان بسیار گفته شده و میتوان گفت ولی ما میخواهیم تنها به قوی ترین جهت شخصیت او که ترویج پیگیر و دلیرانه فلسفه انقلابی و علمی عصر ما، ماتریالیسم دیالکتیک در دشوار ترین شرایط در ایران و جهان و با قبول خطر حتمی مرگ است بپردازیم. ارانی از ایام اقامت آلمان با مکتب فلسفی مارکس، انگلس و لنین آشنا شد و تمام معنی مجذوب صلابت منطقی و عدالت و علمیت احکام و اهمیت و فعلیت نظریات این جهان بینی گردید. ارانی آموزش مارکس، انگلس و لنین را فرا گرفت و هضم کرد. وی یک ناقل خشک و جامد و کتابی این آموزش نیست. تمام آثار او نشان میدهد که ارانی نه فقط در ادراک و ارائه این آموزش روشی خلاق داشت، بلکه برای انطباق آن بر عرصه های مختلف علوم طبیعی زمان خود کوشید و در راه انطباق آن بر سیر تاریخ تفکر در کشور ما ایران نیز گامهای نخستین را برداشت. ارانی اعتقاد راسخ داشت که تنها در سایه این جهان بینی جامعه بشری و حیات معنوی آن قادر است به تکامل سریع و تحول کیفی بزرگی نائل آید و جامعه ایران نیز جز این کلیدی برای گشودن معضلات خود ندارد.

ارانی در اثر ارزنده خویش موسوم به «تئوریهای علم» در این باره چنین مینوشت: «تنها ماتریالیسم عمیق و قوی، یعنی ماتریالیسم دیالکتیک» اصول مادی و منطقی میتواند، با تئوری متحد الشکلی تضاد علوم را مرتفع سازد و بدون شک در سایه همین اصول و اسلوب، علم و اجتماع صورت جدید بخود گرفته و ترقیات سریعی که از دایره ادراک متفکرین امروز خارج است، خواهد نمود.»

پیش بینی ارانی را که از اعتقاد علمی او برخاسته است سیر آتی حوادث ثابت کرده و بیش از پیش ثابت خواهد کرد. ارانی شیفته حقیقت و علمیت و از توسل به ضد حقیقت بیزار بود و این روحیه از آثار او همه جا مینماید. وی در اثر خود موسوم به «بشر از نظر مادی» نفرت خویش را از مغالطه گران در علم و حقیقت بیان میدارد و

مینویسد: «گاه يك عده پیدا میشوند که تحت تأثیر منافع طبقاتی خود، در علم هم تقلب میکنند و دروغ میگویند، دروغ گوئی در علم و فحیح ترین اقسام کذب است». همین اندیشه را در اثر دیگر خود «ماتریالیسم دیالکتیک» تکرار میکند و مینویسد: «نفع مادی رؤیت عده ای از طبقات را چنان محدود میکند که بخودشان هم دروغ میگویند.»

ولی ارانی که بمنافع توده های زحمتکش مهن خود، بمنافع وسیع بشریت زحمتکش تکیه داشت نیازی و نفعی نداشت که بخود دروغ بگوید یا در حقایق علمی تخلیط کند، حقیقتی را که او یافته بود یک حقیقت مهم ماوراء طبقات نبود. این حقیقت مارکسیسم بود که بقول لنین نیرومند است زیرا راستین است. این حقیقت آموزش ماتریالیسم دیالکتیک بود که میتوانست سررشته سعادت بشری را بدست دهد. وی در اثر خود «عرفان و اصول مادی» مینویسد:

«اصول مادی و منطقی امروز بشر، تمام علوم، صنایع و اجتماعات و هنر ارتباط کامل دارد و او را از خرافات اعم از اینکه در قسمت طبیعی یا بیولوژی یا بیسکولوژی یا سوسیولوژی باشد، خلاص کرده و بوی راه خوشبختی را نشان داده است.»

در همین اثر جای دیگر وابستگی کامل اسلوب فکری خود را با ماتریالیسم تاریخی بیان میدارد و تصریح میکند که بررسی او از عرفان بطور اعم و عرفان ایرانی بطور اخص بر اساس اسلوب تحقیقی ناشی از این تئوری انجام گرفته است. ارانی مینویسد:

«برای ما يك قضیه مجرد و مجزی در وسط تاریخ وجود ندارد. ما فلسفه مادی تاریخ را بعنوان يك عصب و شریان اصلی در نظر گرفته، نمو عقاید را اعم از عرفان یا غیر آن مطالعه نمودیم تا محل و موقعیت عرفان در میان تمام عقاید واضح شود.»

ارانی طی کمتر از دهسال، از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۱۵ تعداد کثیری کتاب و رسالات نگاشته است که برخی از آنها بصورت سلسله مقالات در مجله دنیا چاپ شده است. قصد ارانی آن بود که تمام باصطلاح او «علوم دقیقه» یعنی فیزیک، شیمی، فیزیکو-شیمی، زیست شناسی، روانشناسی و جامعه شناسی را با اسلوب دیالکتیک مورد بررسی و تنظیم قرار دهد. ارانی در این نیت خود بدنبال آن عده از دانشمندان مارکسیست اروپائی میرفت که در آنهنگام مجامعی پدید آورده و علوم را در بر تو مارکسیسم توضیح میداده اند. او در واقع نیز باین کار عظیم دست زد و کتب فیزیک، شیمی، فیزیکو-شیمی، بیولوژی و بیسکولوژی منتشر گردید. در کنار این آثار تدریسی که در آن جهان بینی و اسلوب منطقی مورد اعتقاد ارانی منعکس است ارانی يك سلسله آثار دیگر نیز نشر داده است. از سلسله مقالات او در مجله دنیا میتوان از

«تکامل، تبعیت بمحیط، ارث»، «ماتریالیسم دیالکتیک»، «زندگی و روح هم مادی است»، «عرفان و اصول مادی»، «بشر از نظر مادی»، «زن و ماتریالیسم» نام برد. در سال ۱۳۱۰ ارانی کتاب مهم و عمیق خود «تئوریهای علم» را منتشر کرد و در آن به بررسی نقادانه تئوریهای معاصر فیزیک از دیدگاه ماتریالیسم دیالکتیک پرداخت. ما دیگر از فعالیتهای ادبی و تحقیقی ارانی مانند نگارش مقدمه بر اثر «وجه دین» ناصر خسرو و تصحیح و تحشیه «شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس» خیام سخن نمیگوئیم که هر يك در جای خود دارای ارزش است.

در نوشته های فلسفی ارانی که بطور عمد بر پایه اثر مارکس «سرمایه» آثار انگلس «آنتی دورینگ» و «منشاء خانواده و دولت» اثر لنین «ماتریالیسم و آمپریو-کریتیسیسم» نگاشته شده است و یا از کتب متداول توضیحی آن ایام فیض گرفته است بطور اساسی مسائل فلسفه مارکسیستی اعم از دیالکتیک، ماتریالیسم فلسفی و ماتریالیسم تاریخی توضیح میشود. بعنوان نمونه و برای آشنائی مشخص تر با سبک فکر و تحقیق ارانی یکی از مهمترین مقالات وی را موسوم به «ماتریالیسم دیالکتیک» مورد بررسی قرار

میدهیم. در بخش اول و دوم این سلسله مقالات (که با امضاء مستعار «احمد قاضی» در مجله دنیا نشر یافته) ارانی بر اساس کتاب انگلس «آنتی دورینگ» و پایان فلسفه کلاسیک آلمان و کتاب لنین «ماتریالیسم و آمپریو کریتیسیسم» (یا بقول ارانی «فلسفه مادی و حسی - انتقادی») تئوری شناخت مارکسیستی را بررسی میکند، مکاتب مختلف ایده آلیستی، آمپریک، پوزیتیویستی و نیز ماتریالیسم متافیزیک را مورد انتقاد قرار میدهد و عقاید افلاطون، لائیتس، دکارت، برکلی، گانت، هیوم، هگل، شوپنهاور، اوگوست کنت، مایخ، برکسن و دیگران را بعنوان نمایندگان مکاتب مختلف ایده -

آلیستی بانگهآ تحلیل انتقادی مردود میسورد. دکتر ارانی وسیعاً از علوم ریاضی و طبیعی معاصر خود برای اثبات صحت تئوری شناخت ماتریالیستی، اثبات واقعیت جهان خارج از ذهن انسان و رابطه مطلقیت و نسبت در معرفت انسانی استفاده میکند و سوء استفاده طرفداران ایده آلیسم فیزیک و دیگر مکاتب علم نمای فلسفی معاصر را برملا میسازد. در بخش سوم این سلسله مقالات اصول دیالکتیک مطرح میشود. ارانی میکوشد منظره ای از تاریخ تکامل اسلوب دیالکتیک از زمان هراکلیت تا مارکس ترسیم کند و تفاوت هر مرحله را نسبت به مرحله پیشین نشان دهد. وی منطق دیالکتیک را با منطق صوری که ارانی آنرا «منطق جامد» مینامد مورد مقایسه قرار میدهد و اصول دیالکتیک را مانند تغییر و ارتباط، تکامل، وحدت و نبرد ضدین (یا بگفته ارانی «نفوذ ضدین») تغییر کیفیت به کیفیت، قانون نفی در نفی و پیدایش نو از کهنه و تکامل از طریق تر (یا بقول ارانی حکم) و آنتی تر (یا بقول ارانی ضد حکم) و سنتر (یا بقول ارانی حکم ترکیبی) شرح

میدهد، این سلسله مقالات نخستین و جامع ترین بیان اسلوب دیالکتیک مایرتالیستی در زبان فارسی است و طرف سخن ارانی در این سلسله مقالات نسل جوانی است که بویژه در تهران با علاقه و هیجان بمجله دنیا روی آورده بود و از آن نشید تازه ای می شنیده است. بیهوده نیست که ارانی سلسله مقالات مورد بحث خود را با این عبارت ختم میکند:

«تربیت فکر خوانندگان جوان، نظر اساسی مجله دنیاست.»

ارانی نه تنها ماتریالیسم دیالکتیک را با عمق تمام درک کرده و توضیح داده است، استنباط وی از ماتریالیسم تاریخی نیز بهمین اندازه عمیق است. در آثار مختلف ارانی مانند «تئوریهای علم»، «عرفان و اصول مادی»، «بشر از نظر مادی» استنباط ماتریالیسم تاریخی بیان شده است. سودمند است در این باره نیز نمونه هایی بدست بدهیم ارانی در اثر برجسته خود «تئوریهای علم» قانونیت پدیده های تاریخی، ضرورت و منطقیت تاریخی پیدایش این یا آن میان، این یا آن دوران را مورد بحث قرار میدهد و با نظریه ایده آلیستی که تاریخ را انبوه درهم تصادفات غیر قابل توضیح و نامعقول میسورد مخالفت میکند. از جمله در این زمینه مینویسد:

«ایده آلیست عقیده دارد پیدایش شدن «فئودالیسم» در قرون وسطی ناگهانی بود و اسباب بد بختی بشر شد و تکامل جامعه بنی نوع بشر را بعهده تعویق انداخت. متفکر مادی منطقی از این اشتباه بری است و میداند که وضعیت قرون قدیمه خود، ظاهر شدن اصول «فئودالیسم» را ایجاد میکرد. اگر اینطور نبود ظاهر نمیشد. از طرف دیگر خود اصول فئودالیسم قرون وسطی پایه و اساس پیدایش مراکز قدرت در قرون جدید و پیشرو ظهور طبقه بورژوازی است، یعنی برای آنکه حالت بعد بظهور آید، باید حالت قبل وجود داشته باشد.»

در همین اثر ارانی نظریه ایده آلیستی را دایر بآنکه نسبت و تغییر پذیری معرفت انسانی دلیل بر آنست که این معرفت دارای محتوی واقعی نیست رد میکند و منظره تکامل تئوریهای علمی را بمانابه منظره خروج تئوری های علمی صحیح تر از تئوریهای علمی کمتر صحیح ترسیم مینماید و بار دیگر بضرورت توالی حالات در رشته تکامل توجه میکند و مینویسد:

«تئوریهای علمی روز بروز در تغییر میباشند. افکاری که با اصول و قوانین صحیح تفکر آشنا نیستند این موضوع را دلیل بر صحت مکتب ایده آلیسم میدانند و میگویند چون حقیقت هر روز برای ما تغییر کرده، پس حقیقت در قضایائی که درک میشوند وجود ندارد! چه، حقیقت ثابت است و آنچه که ثابت است ما تمیم. پس حقیقت در ماست. با اندکی تفکر بطلان این شیوه استدلال واضح میشود. يك تئوری که جانشین تئوری دیگر میشود، ناگهان بظهور نمیرسد، بلکه تئوری منسوخ شده پایه و اساس تئوری جدید ناسخ

دنباله از صفحه ۲

روش ضد توده‌ای و ضد شوروی

همکار ارتجاع در ایران کیست؟

ظاهراً مائوئیست‌های رنگارنگ ایرانی نیز این واقعیت را می‌بینند و بهمین جهت است که در مباحثات شفاهی دیگر بدفاع آشکار از سیاست گروه مائوتسه دون، که قابل دفاع نیست، نمی‌پردازند. ولی همین مائوئیست‌های رنگارنگ ایرانی که حزب ما را به «فقدان استقلال در اندیشه و عمل» متهم می‌کردند اینک در نوشته‌های خود بنده وار و بطرز مشتم کننده‌ای هر کلمه و هر جمله‌ای را که در مطبوعات یکن بخش میشود طوطی وار تکرار میکنند و در صدد اثبات آن بر می‌آیند. درست بهمین دلیل هیستری ضد شوروی همراه با هیستری ضد توده‌ای، مائوئیست‌های رنگارنگ ایرانی را نیز فرا گرفته است. این به اصطلاح قهرمانان مبارزه با امپریالیسم و رژیم شاه، اینها که ما را به «سازش» با رژیم متهم میکنند اینک اولین سخنانشان و مهمترین بحثشان و عمده نوشته‌ها و گفته‌هایشان بر ضد امپریالیسم و ارتجاع ایران نیست، بلکه بر ضد اتحاد شوروی و حزب توده ایران است.

هیستری ضد شوروی و ضد توده‌ای مائوئیست‌های رنگارنگ ایرانی هم البته نشانه ضعف و از هم پاشیدگی و ورشکستگی

دنباله از صفحه ۶

لیکاری روزافزون

در سالهای اخیر کنسر سوم نفت هزاران کارگر خود را به خیابان ریخته است. کارگاهها و کارخانه‌های زیادی نیز که نتوانسته‌اند در مقابل هجوم کالاهای خارجی به بازارهای ایران مقاومت کنند تعطیل شده‌اند. مهاجرت روستائیان آواره و بی‌کار از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ ادامه دارد. رژیم ایران منکر وجود بیکاری است ولی چهره دژم آن در هر گام دیده میشود.

۱. فروزان

آرمان خلق آگاهانه جانبازی کند. در تاریخ کشور ما کارنامه شهیدان با نام مزدک‌ها و بابک‌ها آغاز میشود و در دوران ما به‌ارانی‌ها و روزبه‌ها و دیگر شهیدان ارجمند حزب و نهضت میرسد. شاید همه کسانی که در این جاده مقدس پای گذاشته‌اند دارای عظمت و شخصیتی یکسان نباشند ولی همه از محبت و عشق و سیاست مردم برخوردارند و منبع الهام بهترین و روشن‌ترین احساسات انسانی، دلبرانه‌ترین و والا ترین اعمال حیاتی هستند. بهمین سبب در پایان این سخن بجاست بگوئیم: درود پرشور و افتخار جاوید بهمه شهیدان حزب و نهضت رهائی بخش ایران که در راه عدالت و حقیقت اجتماعی، زندگی

این گرانباترین سرمایه را تثار کردند! سخنانی رفیق احسان طبری در جلسه یاد بود دکتر تقی ارانی

آلمان را همه جا میکوبید و افسانه تھی نژاد برتر و فروتر را افشا میکرد. در آن هنگام که ارانی فاشیسم را با قدرت و صلابت میکوبید، ایران یکی از کانونهای تبلیغات فاشیستی بود و رژیم موجود به این امر میدان میداد. روزنامه مصور «ایران باستان» بمدیریت سیف آزاد و باشگاه علنی بهمین نام نسخه بدل ایرانی فاشیسم را عرضه میداشت و نقش «صلب شکسته» را در کاشی کارهای «دروازه دولت» جستجو میکرد و میخواست برای فاشیسم ریشه ایرانی بیابد و افسانه پوج نژاد خالص آریائی بخش میشد. عمال ستون پنجم هیتلری در ایران مشکل میشدند و دولت وقت که هر گونه تجمعی را جرم لایغفر میشد، با نظر اغماض و هواداری باین جریان مینگریست. افشاء گری ارانی برای او سرانجام به بهای جان تمام شد ولی تاریخ نشان داد که چقدر ارانی در این افشاء گری خود ذبح بود. تاریخ پیروزی معنوی را بنام ارانی نوشت و فاشیسم را در ننگ اید مدفون ساخت. اهمیت افشاء گریهای ارانی امروز که نفو فاشیسم از طرف امپریالیسم و معارف ارتجاعی ایران با اشکال دیگری بیان آورده میشود، اهمیت و فعلیت خود را حفظ میکند، نباید فراموش کرد که هیئت حاکمه کنونی ایران بان ایرانیم را که شکل نفو فاشیسم ایرانی است به رتبه یک ایدئولوژی رسمی مورد حمایت رژیم اوج داده است. در دفاعیه قهرمانانه ارانی در دادگاه جنائی تهران جهت علم و انقلابی ارانی، دو جهت دیگر و جدائی ناپذیر شخصیت وی با اوج تالو رسید. این دانشمند مجاهد در این دادگاه ستم با همان عظمتی رفتار کرد که شهیدان بزرگ علم مانند جوردانو برونو و تامازو کامپانلا رفتار کردند. وی ثابت کرد که نه فقط از جهت شخصیت عقلی خود بلکه از جهت سنجیه انسانی خویش انسان بزرگی است واز آنجا که اجتماع این دو میداد، در تاریخ نادر است، بدون تردید میتوان گفت که ارانی از بزرگان تاریخ ما و تاریخ معاصر است.

دفاعیه ارانی در دادگاه عزم شوم جلادانش را برای نابود کردن وی جزم کرد. آنها دانستند که در وجود ارانی جنبش رهائی بخش مردم ما رجل نیرومندی پدید آورده است که نباید او را در عرصه زندگی باقی گذاشت.

با آنکه ترویج مارکسیسم - لنینیسم پیش از ارانی بوسیله نشریات مارکسیستی در ایران و خارج از کشور کمابیش انجام گرفته و برخی آثار کلاسیکهای مارکسیستی ترجمه شده بود، با اینحال باید گفت ارانی این کار را با کیفیت و عمق اسلوبی ویژه و نافذ انجام داد و میتوان او را در این زمینه طلایه داری بی رقیب دانست.

ارانی از آن کسانی بود که بحقیقت علمی و عدالت اجتماعی عشق میورزید و در سر این سودای عالی از همه نعمات عادی زندگی گذشت و به جاویدانان تاریخ پیوست و وارد بارگاه افتخار ابدی شد. بهمین سبب روز شهادت او روز شهیدان است، ما نام شهید را بسکی اطلاق میکنیم که در راه

است. اگر اولی وجود نداشت دومی بظهور نرسید. اگر در علوم طبیعی پایه فیزیک و شیمی خود را بر روی اساس اتم لاتینجری بنا نیکردیم، بکشف اجسام رادیو آکتیو که قابل تجزیه بودن اتم را ثابت میکند، موفق نمیشدیم. اگر فرض غلط «عناصر اربعه» در کار نبود، فیزیک اتمیک امروز بوجود نمی‌آمد.

ارانی در آثار خود نشان میدهد که تاریخ بشر در یک سیر تکامل است که به طرف آزادی کار از قید استثمار می‌رود. وی میخواهد مردم ایران را به داشتن نظر نقادانه بسوی نظام موجود جامعه جلب نماید و همان سخن برجسته ای را میگوید که ما آنرا در این تالار بصورت شعاری نصب کرده‌ایم:

«متوجه شدن به عیب اجتماع قدم اول آنست» («بشر از نظر مادی») و نیز مینویسد: «سیر جبری تاریخ قابل انسداد نیست» («مارتالیسم دیالکتیک»). وی افسانه وحدت ملی را که برای خواب کردن طبقات ستم دیده بسود طبقات ستمگر ساز میشده است افشاء مینماید و مینویسد:

«یک ملت یکدستگاه متحد و یکنواخت نیست. در داخل ملت، طبقات و منافع متضاد، نسبت اکثریت و اقلیت آنها را باید در نظر گرفت» («بشر از نظر مادی»). ارانی رابطه فرد و جمع را در جامعه بعنوان رابطه جزء با کل مورد مطالعه قرار داده مینویسد: «اجزای پس از جمع شدن، حاصل جمع مستقلی دارند که خواص آن، نه فقط با خواص اجسام مرکب کننده فرق دارد، بلکه بستگی تامی بطرز ارتباط زمانی و مکانی آن اجزاء دارد.» («بشر از نظر مادی») در چارچوب این ارتباط دیالکتیکی بین جزء و کل، بین فرد و جمع، ارانی فرد را متوجه وظائف خود میسازد و مینویسد: «فرد را نمیتوان مجزی و خارج از مستقل فرض کرد. خاصیت فرد وقتی مشخص میشود که مقام آن در دستگاه جامعه معین باشد» («بشر از نظر مادی»)

توجه داشته باشید که ارانی با زبان مستور، با «زبان ازوپ» سخن میگفت زیرا مجله دنیا علنی بود و او میخواست در این ارگان علنی اندیشه‌های انقلابی خود را بیان دارد. او همه جا با عقاید متداول در میان روشنفکران عصر، با عرفان مآبی توخالی که بویژه مبلغ آن محمد علی فروغی و برادرش ابوالحسن فروغی بودند با نظریات نادرست بازگشت به دوران قبل از ماشین که در آن موقع سخت تحت تأثیر تعالیم گاندبزم از طرف شادروان کسروی بخش میشد مبارزه میکرد. اثر جالب «عرفان و اصول مادی» بهمین جهت نوشته شد. بهمین دلیل است که در همین اثر ارانی مینوشت:

«برای خوشبختی بشر در هم شکستن ماشین انحطاط و عقب رفتن است، یکقدم باید جلو تر رفته و موقعیت غلط ماشین را باید درهم شکست.» («عرفان و اصول مادی») ارانی بویژه تیزی خامه انتقاد را متوجه فاشیسم میساخت که بلیه تاریخ روز بود. وی تئوری نژادی روزنبرگ ایدئولوگ فاشیست

آنهاست. انشعاب در انشعاب، گروه بندی در گروه بندی، تو خالی در آمدن شعارهای نادرست و ماجراجویانه همه نشان دهنده آنست که اینها هم کوهی بودند (بعقیده خودشان) و موشی زائیدند!

ولی روش ضد توده‌ای و ضد شوروی گروه‌های رنگارنگ مائوئیستی در عین حال کمک مستقیم به امپریالیسم و ارتجاع است. زیرا مگر نه اینستکه آنها تفرقه و پراکندگی و تشتت فکری و سازمانی اپوزیسیون ضد رژیم را تشدید کرده‌اند؟ مگر نه اینستکه آنها سازمانهای دانشجویی را در خارج از کشور به تلاشی نزدیک کرده‌اند؟ مگر نه اینستکه آنها، درست مانند رژیم، ببه تیز حمله خود را بسوی حزب توده ایران متوجه کرده‌اند؟ مگر نه اینستکه آنها هم مانند امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خود را اتحاد شوروی اعلام کرده‌اند؟ اینها واقعیاتی است که با هیچ چشم بندی، با هیچ سفسطه و اتهام و ناسزائی، با هیچ انقلابیگری کاذبی نمیتوان آنرا پوشاند.

ما باز هم هشدار میدهیم

هشدار مجدد ما برای آن نیست که مائوئیست‌های رنگارنگ ایرانی میتوانند سد راه پیشرفت مشی واقعا انقلابی حزب توده ایران گردند. این را آنها هم مانند اسلاف خود آزمودند و خیلی زود سرشکسته و ورشکسته شدند. این هشدار برای گردانندگان گروه های مائوئیستی هم نیست که گوش بفرمان یکن داده‌اند و همه یلها را پشت سر خود شکسته‌اند. هشدار ما برای آن گروه جوانانی است که احساسات مین پرستانه و انقلابی آنان مورد سوء استفاده قرار گرفته، برای کسانیست که در جستجوی راهی برای آزادی مین ما بدام شیادان افتاده‌اند. اینها هستند که باید بخود آیند و دوست و دشمن واقعی را از هم تمیز دهند، فریفته ظاهر نگردند، عبق وقایع و سیاستها را ببینند و درک کنند و نیروی خود را - که جنبش بدان نیاز فراوان دارد - بهتر نهند.

ما از مبارزه قاطع و آشتی ناپذیر با منحرفان مائوئیست و همه کسانی که روش ضد توده‌ای و ضد شوروی در پیش گرفته‌اند، بهر شکل که درآیند یک لحظه هم باز نخواهیم ایستاد. ما در عین حال تمام نیروی خود را بکار خواهیم برد تا جوانان مین پرست و انقلابی را از دامهای گونا گونی که در برابر آنها گسترده‌اند، بر حذر داریم و به آنها کمک کنیم تا به مبارزان جنبش اصیل و واقعی انقلابی مین ما تبدیل گردند. ما تردید نداریم بهمان دلیل که مائوئیست‌های رنگارنگ ایرانی و همه منحرفان ضد توده‌ای و ضد شوروی روز بروز و علیرغم تشدید حملات خصمانه آنها به حزب ما و اتحاد شوروی، ورشکسته تر میشوند، مشی انقلابی حزب ما و حزب کمونیست اتحاد شوروی برغم دشواریها و بفرنجها صحت و درخشندگی خود را بیش از پیش بثبوت خواهد رساند. (م. انوشه)

بیکاری روز افزون

در باره تعداد بیکاران در کشور ما آماری وجود ندارد. کوشش میشود در این زمینه کمتر سخن گفته شود. رژیم ایران تصور میکند با جلوگیری از بیان حقیقت میتواند حقیقت را پنهان دارد. همه جا سخن از رفاه و سعادت مردم است. دستگاههای تبلیغاتی شاه در شیور خود می دمند که در ایران «معجزهای بزرگ» صورت گرفته است: انقلاب سفید همایونی به بیکاری، فقر و پریشانی مردم پایان داده است.

ولی چهره عبوس فقر همه جا دیده میشود. سیاه عظیم بیکاران همچنان در جستجوی کار و نان شهرها و روستاهای ایران را میپیماید. در شهریور امسال سمیناری پیرامون «برآورد نیروی انسانی» در تهران تشکیل شد. شرکت کنندگان در سمینار با وجود کوششی که در توجیه علل بیکاری در ایران بعمل آوردند به یکسلسله حقایق نیز در باره «موقعیت نامناسب نیروهای فعال کشور» اشاره کردند. در سمینار گفته شد: جمعیت ایران با سرعت رشد میباید بنحوی که احتمال میرود طی بیست سال آینده ۱۳۴۵ - ۱۳۶۵ از حدود ۲۶ به حدود ۵۱ میلیون نفر بالغ گردد، یعنی تقریباً دو برابر شود. در حالی که امید کاربایی در سالهای آینده همچنان ناچیز خواهد بود...

«جمعیت ایران بسیار جوان است بنحوی که ۵۵ درصد افراد آن کمتر از ۲۰ سال دارند و میزان فعالیت عمومی در آن بالنسبه لیل و در حدود ۳۱ درصد است. حال آنکه در سراسر جهان بیش از ۴۲ درصد کل جمعیت بعنوان جمعیت فعال بحساب میآید. این نسبت در اروپا حتی از ۴۵ درصد متجاوز است... میزان تکفل در جامعه ایران بالا است و فقط یک نفر از ۳ نفر کار میکند تا معاش دو نفر دیگر را تأمین نماید...»

موضوع قابل توجه این است که در همین جمعیت فعال بالنسبه قلیل «کودکان و نوجوانان کمتر از دهسال هنوز نسبت قابل ملاحظه ای را تشکیل میدهند (۱۰٪) روشن است که بهره وری کار کودک و نوجوان قلیل است و خود از قدرت مجموع نیروی کار بوجه نمایان میکاهد.

سمینار تأکید کرد که مشارکت زنان در قدرت فعاله کشور محدود است. آمار - گیری سال ۱۳۴۵ حدود ۷۷ درصد مردان و فقط ۱۲ درصد زنان را از نظر اقتصادی فعال شمرده است.

سمینار برای اولین بار به مسئله بیکاری پنهان و آشکار در ایران اشاره کرد. هر چند آماری که قرائت شد سطحی و ناقص بود با اینحال ترسیم ناروشنی از وضع بیکاری در کشور نشان میداد. گفته شد: «در سال ۱۳۴۵ از کلیل جمعیت فعال کشور (۷۶٪) ۷۶ میلیون نفر) تقریباً ۹ درصد بیکار بوده است یعنی (۶۹۱۴۰۰ نفر)... آمار سال ۱۳۴۵

تعداد دیلمه های بیکار را نیز ۲۳ ۴۰۰ نفر اعلام کرده است. در سمینار گفته شد: «تخمین وسعت بیکاری پنهان و یا کم کاری آسان نیست. بر طبق بررسی های سال ۱۳۴۵ حدود ۱۱۴۸۰۰۰ نفر از کار - کنان مملکت در هفته کمتر از ۳۶ ساعت کار میکرده اند».

سمینار به بررسی وضع حاضر پرداخت. گفتند آماری در دست نیست. ضمناً شرکت کنندگان در سمینار نمیخواستند نقاب از چهره رژیم بردارند و تا بلوی رفت بار زندگی مردم را در مقابل گردانندگان آن قرار دهند.

در سالهای اخیر دیده میشود دستگاه های دولتی ایران کوشش میورزند سخنی در باره بیکاری گفته نشود. چند سال پیش فقط یکبار عطاء اله خسروانی وزیر کار اعتراض کرد که در ایران بیش از یک میلیون نفر بیکار وجود دارد. پس از آن گوئی استعمال واژه بیکاری ممنوع شد. سخن از «بیکاری» بیان آمد. گردانندگان رژیم یکبارہ متکرر وجود بیکاری شدند.

سوالهاست که دیگر سخن از «سیاه عظیم بیکاران» نیست. شاه حتی گفته است: «فقط تن پروران از بیکاری مینالند».

با اینحال بیکاری وجود دارد و چهره عبوس آن در هر گام دیده میشود. طبق آماری که توسط وزارت کار و خدمات اجتماعی منتشر شده است از سال ۱۳۴۶ تا شهریور ۱۳۴۸ فقط ۸۱۲ جوان دیلمه و لیسانسه توانسته اند در دستگاههای دولتی برای خود کار بیابند.

دولت ایران با تورم کارمند روبروست و سازمانهای وابسته بآن جز با پارتی و پول کسی را استخدام نمیکند. صنایع وابسته و مونتاژ ایران نیز که در اطراف آن شدت تبلیغ میشود قادر نیست سیاه عظیم بیکاران را جذب کند در ایران سخن از بیکاری نیست، ولی سران رژیم چپ و راست ب مردم وعده کار میدهند.

روز ۲۳ بهمن ۱۳۴۶ شاه در وین بدانشجویان گفت: «در سالهای آینده یک میلیون شغل در انتظار جوانان کشور است. در سال آینده (منظور سال ۱۳۴۷ است) حد اقل ۱۰۰۰۰۰۰ جا برای استخدام جوانان بوجود خواهد آمد.

دهها هزار جوان بیکار ایرانی که سالها در بدر بدنبال کار میگردند و صد ها جوانیکه طی ده سال اخیر بایران بازگشته اند و نتوانسته اند کاری برای خود بیابند میتوانند بگویند این ادعا تا چه حد بحقیقت پیوسته است. برای آنکه منظره ای از بیکاران را در ایران نشان دهیم به چند نمونه کوچک اشاره میکنیم. مجله تهران اکونومیست در شماره ۸۰۳ خود نوشت: سازمان تعاونی کشور به ۱۶۰ نفر برای آموزش در کلاس

های تخصصی تعاونی احتیاج داشت. بیکهزار و ششصد نفر در استادیوم محمد رضا شاه و سالن ورزشی فرح جمع شدند.

روزنامه دیلمات مینویسد: شرکت ساختمانی ارفع اعلام کرد بدو جوان با سواد احتیاج دارد. فردای آنروز بیش از ۴۰۰ نفر جلوی دفتر شرکت جمع شدند. روزنامه کیهان نوشت: سازمان تبلیغاتی خروس طلائی بیک کارمند احتیاج داشت تعداد داوطلبان بقدری بود که راه عبور و مرور را بند آوردند. در کنکور امسال دانشگاههای سراسری

کشور بنا بنوشته روزنامه های ایران ۴۸۰۰۰ جوان شرکت کردند. تنها ۷ هزار نفر آنها قبول شدند و بقیه به اردوی بیکاران پیوسته. چهره مخوف بیکاری در شهرهای کوچک و روستاها عیان تر بچشم میخورد. روزنامه کیهان در شماره ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۸ خود نوشته است: «در غالب شهرها و روستا ها تعداد افراد بیکار بر عده شاغلان میچربد و از همین روست که فقط ۷ میلیون ایرانی بنحوی از انحاء به فعالیت مشغولند و از این راه درآمدی عاید خود میکنند».

در بهار سال ۱۳۴۸ بیش از ۳۴۰۰ جوان ایرانی تحصیلات خود را در کشورهای خارجی پایان دادند. بسیاری از آنها بکشور خود باز نگشتند. آنها با تمام علاقه ای که به زادگاه خود داشتند ترجیح دادند در خارج بمانند زیرا میدانستند رژیم شاه جز سربازخانه و زندان چیزی برای آنها ندارد.

بیک نمونه دیگر اشاره میکنیم: در کنگره استخدامی کشور که امسال برای اولین بار تشکیل شد بیش از ۲۸ هزار جوان بیکار شرکت کردند. اینها کسانی بودند که خود را واجد شرایط دشواری میدانستند که گردانندگان کنگره دولتی اعلام کرده بودند. پس از یکماه فقط از ۳۷۱ نفر آنها برای کار دعوت شد.

این وضع جوانان تحصیل کرده است. بیکاری در میان توده مردم عمیقتر است. در آذر ماه امسال رئیس دفتر شکایات مجلس شورایی اعلام کرد: «در روز بطور میانگین ۳۰۰ نامه بدفتر شکایات مجلس میرسد. سی تا چهل درصد این نامه ها درخواست کار است». «هویدا در آخرین مسافرت خود به آذربایجان ۲۸۴۲ نامه شکایت دریافت کرد. خود او گفت: «اکثر آنها کار میخواهند که ما دستور داده ایم رسیدگی کنند» بازرسی شاهنشاهی نیز بنا بگفته رئیس آن در ماه بطور متوسط ۵۰۰ نامه دریافت میکند که بسیاری از آنها درخواست کار است.

وجود صدها هزار بیکار در ایران زمینه مساعدی برای سازمان های دولتی و مؤسسات خصوصی جهت بهره کشی و سوء استفاده از این نیرو فراهم آورده است. بانک های خصوصی دیلمه های جوان را با دستمزدهای ناچیز استخدام میکنند و پس از مدتی فقط برای آنکه چیزی به حقوق آنها اضافه نکنند اخراجشان میکنند. شرکتهای دولتی، مقاطعه کاران، مؤسسات خصوصی، کارگاهها، کارخانه ها و حتی ادارات دولتی از این نیروی ارزان کار بطرق مختلف استفاده

دنباله از صفحه ۳

ضرورت تاریخی

آلمان غربی در زمینه صدور کالا بایران که اکثراً کالاهای مصرفی است در میان تمام کشورهای جهان جای اول را اشغال میکند. کل صادرات آلمان غربی به کشور های دیگر جهان در سال گذشته ۱۸ میلیارد مارک بود و یک میلیارد و دوست میلیون مارک آن تنها بایران وارد شد. ولی صادرات ایران بآلمان طی آنسال فقط ۷۱ میلیون مارک یعنی در حدود ۱۷ بار کمتر از واردات آلمان بایران بود و این نمونه ایست که ماهیت غارت گرانه روابط اقتصادی کشورهای امپریالیستی با ایران از یکسو و ماهیت ضد ملی سیاست رژیم کنونی را آشکارا نشان میدهد.

روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با جمهوری دمکراتیک آلمان با وجود دامنه محدود آن برای رشد اقتصادی و صنعتی ایران اهمیت فراوان داشت. جمهوری دموکراتیک آلمان در مقابل صدور خشکبار و پشم و سوی بز که در آلمان غربی و سایر کشورهای اروپای غربی یا بازار ندارد یا بازار آن محدود است انواع ماشین آلات مدرن صنعتی و کشاورزی که ایران بآنها نیاز فراوان دارد صادر میکند. مصالح حیاتی ایران ایجاب میکرد که دامنه این روابط بیش از پیش بسط یابد و در پرتو آن ایران از کمکهای اقتصادی و علمی و فنی این کشور مدرن صنعتی سوسیالیستی اروپا برای پیشرفت خود بهره مند گردد. ولی دولت ایران بجای بسط این روابط به قطع آن پرداخت و بدینسان بار دیگر علیرغم کر و فر در زمینه پیروی از «سیاست مستقل ملی» وابستگی کامل خود را به سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی ثابت کرد.

آلمان سوسیالیستی اکنون در میان رشد یافته ترین کشورهای صنعتی جهان جا میگیرد و عامل مهم مبارزه در راه صلح و امنیت اروپاست. جنبش شناسائی این جمهوری شکوفان سوسیالیستی علیرغم تلاشهای بن و واشنگتن و پیروان آنان در تهران روز بروز دامنه وسیعتری بخود میگیرد.

شناسائی آلمان سوسیالیستی حکم زمان است و زندگی به مخالفان این راه پوز خند خواهد زد.

بیکار

میکند آنها از میان هزاران کارگر بیکار، دو یا سه نفر را استخدام میکنند، از میان صد ها تقاضای کار یک یا دو تقاضا را مورد توجه قرار میدهند. از صد ها و هزار ها جوانی که برای کار مراجعه میکنند فقط یک یا دو نفر را میپذیرند. طبیعی است مؤسسات دولتی و خصوصی با در نظر گرفتن هزاران دستی که بسوی آنها دراز شده است کمترین دستمزد را به بهترین کارگر و یا کارمند پیشنهاد میکنند.

کودتای نافرجام . . .

شرکت کرده‌اند، مشمول عفو عمومی میشوند. ۲ - از مقامات مسئول خواسته میشود کار - مندانی را که از کار بعثت شرکت در حوادث کردستان اخراج کرده‌اند مجدداً بکار گمارند.

اعلامیه ژوئن ۱۹۶۶ - این اعلامیه در زمان حکومت عبدالرحمن بزاز صادر گردید. طبق این اعلامیه ملت کرد بطور رسمی شناخته میشود، زبان کردی در مناطقی که اکثریت با کردهاست زبان رسمی خواهد بود. کردها در تمام فعالیتهای دولتی به نسبت جمعیت خود حق شرکت خواهند داشت. جوانان کرد خواهند توانست در دانشگاههای تمام کشور تحصیل کنند، کرد هائی که در ارتش و شهربانی بوده‌اند و واحد های خودبازمانه کردند و یک وزارتخانه مخصوص برای تجدیدساختمان منطقه کرد نشین شمال تأسیس میشود. مقامات مسئول عراق از دو ماه پیش تصمیماتی برای فراهم کردن زمینه حل اختلافات اتخاذ و دستور هائی در زمینه امور فرهنگی صادر کرده‌اند. طبق این دستور ها از این پس کرد ها در تمام مؤسسات فرهنگی حتی در آکادمی نظامی حق تحصیل خواهند داشت و نویسندگان کرد حق تشکیل مجامع و تأسیس جرائد خود را دارند.

اینک دولت عراق توطئه‌ای را که امپریالیستها چیده بودند در هم شکسته است و راه عاقلانه‌ای را برای پایان دادن بجزنگ داخلی و اصلاحات دموکراتیک در پیش گرفته و امید است که با کامیابی همراه باشد. ولی بدون تردید ارتجاع و امپریالیسم و حکومت ایران که با اعزاز نیرو بمرز های عراق این کشور را تهدید میکنند، از پسای نخواهند نشست و بهر گونه توطئه و تحریکی دست خواهند زد. آنها سعی خواهند نمود که از احساسات تند عناصر افراطی که با حل مسئله کرد بر اساس موافقت نامه ژوئن ۱۹۶۶ ناخوش بودند و همچنین از پاره‌های عناصر ارتشی که بعثت جنگ داخلی دارای امتیازاتی شده‌اند علیه حکومت عراق استفاده کنند و مشکلات تازه‌ای بوجود آورند. تنها راه مقابله با اینگونه تشبثات ایجاد جبهه واحد و متحدی از تمام نیرو های مترقی داخلی، ادامه اصلاحات دموکراتیک و توسعه و تعمیق آنها و استفاده از کمک های بی شائبه‌ایست که جبهه صلح و سوسیالیسم برهبری اتحاد جماهیر شوروی بجنبش های صلح خواهانه و مترقی مینماید. در پایان مقال ذکر این نکته لازم است که مردم ایران علاقمند بوجود عراقی مترقی و دموکراتیک در همسایگی خود هستند و هیچگاه نباید اقدامات دولت ایران را بحساب مردم ایران گذاشت. بیروزی مردم عراق در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بفتح مبارزه مردم ایران است همچنانکه پیشرفت جنبش ملی در ایران در جنبش مردم عراق مؤثر بود.

۱. گویا

در کنفرانس علمی

بمناسبت سده میلاد و. ای. لنین

های لنین در جنبش کارگری ایران»، «لنین و آزادی خلقهای شرق در نمونه وطن ما ایران»، «سیمای لنین در ادب تاجیک»، «سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی واستقلال ایران»، «سیمای لنین در شعر معاصر فارسی»، «لنین و ایران» سخنرانیهای انجام گرفت. در دومین کنفرانس علمی سخنرانیهای زیرین انجام گرفت: «مراحل اصلی انتشار اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم در کشور های خاور میانه و نزدیک»، «تأثیر ایده های لنین در تکامل ایده نولوژیک جنبش آزادی بخش و استقلال ملی ایران»، «چهره لنین در هنر های زیبای ایران»، «چهره لنین و تم اکسیر در ادبیات دموکراتیک فارسی و آذربایجانی»، «لنین و ایران»، «برخورد لنین به آثار باستانی خلقها».

در سومین کنفرانس علمی سخنرانیهای زیرین انجام گرفت: «اهمیت جهاننشود لنینیسم»، «لنین و انترناسیونالیسم پرولتری»، «لنین و وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری»، «سیمای جهانی لنین»، «لنینیسم و مبارزات رهایی بخش ملل شرق»، «تعلیمات لنین در باره تأسیس دولت و حقوق ملی در کشورهای آزاد شده»، «برخورد لنین به نقش ارتشیان در جنبشهای آزادی بخش ملی»، «لنین و تحلیل موقعیت تاریخی و اهمیت بین المللی انقلاب مشروطه ایران»، «لنین و احیاء استقلال ملی ایران»، «آموزش لنینی امپریالیسم و برخی پدیده های نفوذ امپریالیسم معاصر در ایران»، «لنینیسم و رفورمهای اجتماعی - اقتصادی در ایران»، «تعالیم لنین و مرحله کنونی مبارزه نیرو های ملی و دموکراتیک در ایران»، «ایده های لنین بزرگ و نحوه انعکاس آن در ادبیات معاصر ایران»، «سیمای لنین در ادب فارسی».

رو بهمرفته ۲۷ سخنرانی در کنفرانس های سگانه انجام گرفت. در همه کنفرانسها مهمانان و ایران شناسان معروف محل حضور داشتند. از طرف رهبری حزب در کنفرانسهای سگانه رفیق احسان ظهیری حضور یافت و سخنرانی کرد. کنفرانسهای سگانه در فضای برخوردار جندی و پرشور و شرکت فعالانه حاضران در بحث برگزار شد و علامت روشن احترام و اعتقاد بی پایان رفقای ما به ولادیمیر ایلیچ لنین و آموزش انقلابی وی بود. گزارش تفصیلی این کنفرانسها در مجله دنیا (ویژه نامه لنین - شماره بهار سال ۱۳۴۹) درج خواهد شد.

شعبه تبلیغات و انتشارات حزب خواهد کوشید، چنانکه در مورد سخنرانیهای سیمینار های سگانه «انقلاب اکبر و ایران» انجام گرفت، مجموعه سخنرانیها را بصورت کتابی نشر دهد. این بهترین وسیله انتقال تجارب فکری و عملی رفقای ما در خارج از کشور به نسل نوین رزمندگان انقلابی است.

نامه شاد باش

رفیق والتر اولبریش

ارسال گردید: رفیق رضا رادمش محترم، از جانب کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و از جانب خود بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد شما صمیمانه ترین شادباش ها و درودهای بیکار جوانه را ابلاغ میدارم. شما در تحکیم دوستی بی خلل و بیوند نزدیک بیکار جوانه بین حزب سوسیالیست متحد آلمان و حزب توده ایران بر پایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری سهم جزیی دارید.

رفیق رضا رادمش عزیز اجازه دهید شما را نسبت به همبستگی برادرانه کمیته مرکزی حزب متحد آلمان مطمئن سازم. امید است شما سالیان دراز از تندرستی کامل و کار خلاقه موفقیت آمیز برای رهایی خلق ایران و در راه صلح و دمکراسی و سوسیالیسم بهره مند باشید.

دیر اول حزب سوسیالیست متحد آلمان والتر اولبریش

در پاسخنامه فوق از جانب هیئت اجرایی حزب توده ایران نامه تشکر آمیزی بعنوان رفیق والتر اولبریش ارسال گردیده است.

دنباله از صفحه ۱

سخنانات ازانسی

محصولات انقلاب که جریان طبیعی تاریخ آنها را ایجاد کرده حقاقت دارد.

قانون اساسی فعلی ایران محصول یک انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله دمیده است.

قانون اساسی هنوز از نظر عدالت خیلی ناقص و بهمان ترتیب که تحصیل شده باید کامل گردد.

آیا غرض قانون اساسی از آزادی عقاید همین قدغن کردن کلیه عقاید بوده و آن خونها برای همین ظلم امروز ریخته شده است؟

چقدر برای یک جامعه سنگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود.

قوه قضائیه خوانیده و میر غضب های جامعه با فعالیت تمام بیدارند.

از دفاعیه دکتر ازانسی در دادگاه پنجاه و سه نفر

ارانی شعله‌های جاوید

پنهان امپریالیست های متخاصم در سرزمین ایران، اشغال نهائی کشور بوسیله نیرو های نظامی امپریالیسم انگلستان در سال ۱۲۹۷ و سرانجام تحمیل قرار داد ننگین سال ۱۲۹۸ که ایران را به مستعمره انگلستان مبدل میساخت، کودتای سید ضیاء الدین - رضاخان در سال ۱۲۹۹، افزایش روز افزون قدرت مطلقه رضا خان و تثبیت نهائی دیکتاتوری فردی او در سال ۱۳۰۴ - همگی از نفوذ بیش از پیش امپریالیسم و گسترش هرچه بیشتر دامنه استبداد در ایران حکایت میکرد. این سالها در عین حال دوران نضج جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک در ایران بود. در نتیجه تشدید تضاد های داخلی و تحت تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر جنبش انقلابی در ایران گسترش میافت. قیام آذربایجان در سال ۱۲۹۹ به سر کردگی شیخ محمد خبابانی، اعلام حکومت جمهوری در گیلان و تشکیل دولت بسی موفت به ریاست کوچک خان، قیام کلنل محمد تقی خان در خراسان در سال ۱۳۰۱ و سپس قیام لاهوتی در آذربایجان ذروه این جنبش بود. اگر چه تمام این قیام ها با شکست روبرو شدند، ولی در عین حال نشان دادند که مردم ایران در برابر دسائس امپریالیسم و استبداد تسلیم نمیشوند.

دکتر ارانی فرزند این دوران پر تلاطم تاریخ ایران بود و این حوادث بسی شک در شیوه تفکر، جهان بینی و مسیر زندگی او تأثیر عمیق باقی گذاشتند. شرکت فعال تقی ارانی در سن ۱۷ سالگی در تظاهراتی که تحت تأثیر این حوادث از طرف دانشجویان تهران بعمل میامد، حاکی از این امر است. تقی ارانی در سال ۱۳۰۱ برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در رشته شیمی به تحصیل پرداخت. دوران اقامت هشت ساله ارانی در آلمان دوران فعالیت سیاسی و انقلابی فردی است که در راه جهان بینی علمی مارکسیستی گام نهاده است. در این سالها جنبش کارگری در آلمان در حال پیشرفت بود. ارانی که تضاد های جامعه نیمه فئودالی و نیمه مستعمره ایران را به چشم دیده و شاهد بیکارهای خونین نافرجام مردم ایران بود، بزودی تحت تأثیر جنبش انقلابی طبقه کارگر و افکار مارکسیستی قرار گرفت. ارتباط ارانی با محافل دانشجویان کمونیست ایران در آلمان که تحت رهبری سلطان زاده، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بوجود آمده بود ارانی را وارد فعالیت عملی انقلابی ساخت. ازانی در کار اداره و نویسندگی «بیکار» و «بیرق انقلاب» که در آلمان انتشار میافتند نیز در فعالیت سازمان غیر علنی مبارزه با استبداد رضا شاه شرکت فعال داشت. ارانی در آلمان به فرا گرفتن آثار کلاسیک های مارکسیسم و بررسی مطبوعات مارکسیستی پرداخت و در نتیجه مطالعات خود در رشته های مختلف علوم دقیقه

دنباله در صفحه ۸

دنباله از صفحه ۷

یادی از

جنبش دموکراتیک مهاباد

ارانی شعله‌ای جاوید

دوم بهمن ماه را خلق کرد بمشابه روز پر افتخاری در تاریخ مبارزه خود یاد میکند. ۲۴ سال قبل دوم بهمن ماه سال ۱۳۲۴ خلق کرد با حمایت نیروهای مترقی و دموکراتیک ایران به سلطه سیاه حکومت ارتجاعی تهران پایان داد و امور داخلی خود را در گوشه‌ای از میهن بدست گرفت.

بلند گویان هیئت حاکمه‌ی ایران همواره میکوشند که جنبش رهائی بخش خلق کرد را تخطئه نمایند. ولی فاکتهای تاریخی جنبش سال ۱۳۲۴ اویس از آن بنحو بارزی خلاف این ادعا را ثابت میکنند.

جنبش مهاباد در مبارزه خلق کرد دارای اهمیت ویژه‌ای است که نکات اساسی آن باختصار یاد آوری میشود:

برای اولین بار در تاریخ مبارزه‌ی خلق کرد یک جنبش ملی و دموکراتیک بود، که هدفهای مبارزه و دوست و دشمن آنرا از لحاظ داخلی و خارجی منجزا تعیین کرده بود. تحت رهبری یک حزب دموکرات اداره میشد که دارای برنامه‌ی مترقی بود و نیروی اساسی آنرا دهقانان و زحمتکشان کرد تشکیل میدادند. در کردستان، بدست آوردن حقوق ملی، آزادی زحمتکشان، احیاء و توسعه زبان و ادبیات و مدارس و مطبوعات و فرهنگ کردی ایجاد بخشهای خدمات عام المنفعه برای زحمتکشان رونق اقتصاد و بازرگانی، و در داخل ایران دوستی و همکاری با خلقهای ایران، مبارزه مشترک در راه دموکراسی و آزادی سراسر کشور، هدفهای اساسی جنبش دوم بهمن را تشکیل میدادند. در عرصه جهانی مبارزه علیه فاشیسم و امپریالیسم، همکاری با خلقهای صلح دوست، و دوستی و همبستگی با اتحاد جماهیر شوروی را اساس پیروزی میدانست.

جنبش دموکراتیک کردستان از یکطرف مورد حمایت نیروها و احزاب ملی و مترقی کشور واقع گردید، و از طرف دیگر از تجنح ایران و دربار سلطنتی و امپریالیست‌ها با وحشت انداخت. دستگامهای تبلیغاتی حکومت مرکزی و بلند گویان امپریالیسم منظور مشوب ساختن افکار عمومی و تدارک حمله برای سرکوب جنبش دست به یکرشته تبلیغات سراپا تهمت و افترا زدند.

حزب دموکرات کردستان در همان اوان تأسیس خود بر رهبری قاضی محمد اعلام داشت که جنبش دموکراتیک کردستان منظور تقویت مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران و تأمین حقوق ملی خلق کرد، در چارچوب جغرافیائی کشور ایران بوجود آمده است.

در اولین اعلامیه‌ی حزب دموکرات کردستان، مورخه ۲۵ مرداد سال ۱۳۲۴ پس از اشاره به زندگی طاقت فرسا و محرومتهای خلق کرد و ستم حکومت مرکزی چنین میخوانیم: خلق کرد در داخل حدود دولت ایران برای انجام کارهای محلی خویش باید آزاد باشد. و در حدود دولتی ایران دارای

خود مختاری باشد. بر اساس قانون اساسی باید انجمنهای ابالتی کردستان زودتر انتخاب شوند و کارهای اجتماعی دولتی را تحت نظر داشته باشند. »

بدین سان برخلاف تبلیغات ارتجاع هدف جنبش دموکراتیک مهاباد، نه تنها تجزیه طلبی نبوده، بلکه نهضت ضد استعماری دموکراتیک بود، که برای بدست آوردن حقوق ملی در چارچوب یک ایران آزاد و مستقل دموکراتیک مبارزه میکرد.

حمایت نیروهای مترقی کشور از جنبش دموکراتیک مهاباد، بویژه پشتیبانی حزب توده‌ی ایران و نمایندگان آن حزب در مجلس چهاردهم از حقوق خلق کرد و حکومت مهاباد شرکت حزب دموکرات کردستان در جبهه مؤتلفه احزاب آزادیخواه (خرداد ماه) همه و همه گواه بارزی است بر پوچ بودن تبلیغات و ادعای ارتجاع و حکومت ضد ملی ایران و عادلانه بودن جنبش دموکراتیک کردستان. حکومت ملی که در اثر جنبش دموکراتیک مهاباد بر رهبری قاضی محمد تشکیل شد، تنها

در عرض یکسال گامهای مهمی را بنفع زحمتکشان کرد و انجام اصلاحات اجتماعی برداشت. بهمین علت هم ارتجاع ایران و امپریالیستها از توسعه و همکاری جنبش خلق کرد با نهضت ضد امپریالیستی سراسر ایران بوحشت افتادند، و حکومت ایران بکمک امپریالیستها، بویژه امپریالیسم امریکا، کردستان را مورد حمله قرار داد و با کشتار بیرحمانه و قتل دهها نفر از میهن پرستان کرد که قاضی محمد در رأس آنها قرار داشت، جنبش دموکراتیک مهاباد را سرکوب ساخت، اگر محمد رضا شاه توانست به کمک امپریالیست‌ها جنبش رهائی بخش خلق کرد را در خون خفه سازد، علل زاینده‌ی آن

جنبش امروز بعد از ۲۴ سال با شدت بیشتری در برابر چشمان خلق کردستان و مردم سراسر ایران نمایان است.

در اعلامیه‌ی حزب دموکرات کردستان (مهر ماه ۱۳۴۷) که بمناسبت یورش وحشیانه‌ی نیروهای مسلح شاه به کردستان و قتل و اعدام دهها نفر از مبارزین کرد انتشار یافته است گفته میشود: « کردستان ایران با جمعیتی بیشتر از چهار میلیون نفر از ثروتمندترین منطقه کشور است، ولی اهمال عمدی دستگاه و سیاست تبعیض آلودش آنرا در عقب افتادگی اجباری نگاه داشته است. هیئت حاکمه بجای تأسیس مدارس، درمانگاهها و بیمارستانها، کارخانه‌ها و کارگاههای صنعتی، مکانیزه کردن کشاورزی و احیاء اقتصاد منطقه، مشغول توسعه سربازخانه‌ها، جاده‌ها و فرودگاههای نظامی است.

سیاست محروم کردن خلق کرد از تحصیل بزبان مادری و احیاء فرهنگ و سنن ملی و نیز در پیش گرفتن روش اعمال فشار و ارعاب و خشونت هم ناشی از تعقیب سیاست

روانشناسی، علوم تربیتی، ادبیات و غیره دانشمندی، ژرف بین و مارکسیستی ذوجوانب از کار در آمد.

نظریات اجتماعی و عقاید سیاسی ارانی در آلمان شکل گرفت. بدینسان ارانی با مجهز شدن به جهان بینی مارکسیستی و با اندوختن تجاربی در زمینه‌های سازمانی و تبلیغاتی با عزمی راسخ برای اجرای نقشه‌هایی که در آلمان پی ریزی شده بود، در سال ۱۳۰۹ به ایران بازگشت.

بزرگترین خدمت ارانی در ایران بنیاد گذاری مجله «دنیا» در آغاز سال ۱۳۱۱ بود. مجله «دنیا» با طرح مسائل فلسفی و علمی و اجتماعی برای نخستین بار به تبلیغ منظم مارکسیسم در ایران پرداخت. نفوذ این مجله در میان روشنفکران و دانشجویان و بخصوص محتوی انقلابی مقالات آن، گرچه با زبان مستور نوشته میشد، هیئت حاکمه را دچار وحشت ساخت. در سال ۱۳۱۴، پس از انتشار ۱۲ شماره از انتشار بعدی آن جلوگیری بعمل آمد. ولی «دنیا» با همین شماره‌های معدود توانست چه در دوران انتشار خود و چه در دوران اعتلای مجدد جنبش انقلابی در ایران، در پرورش ایده‌بولوژیک جوانان ایرانی نقش بزرگ ایفاء نماید.

در سال ۱۳۱۳ گروههای مختلفی از کمونیست‌های ایران با تشکیل یک مرکز رهبری در تهران، برای احیاء حزب کمونیست ایران اقدام بعمل آوردند. دکتر ارانی یکی از اعضا سه گانه این مرکز رهبری بود. کار میان دانشجویان و جوانان روشنفکر به ارانی محول گردید. ارانی در جریان تدریس و ضمن ملاقات‌های خود با محصلین و دانشجویان

ارتجاعی تبعیض ملی حکومت در نیمه دوم قرن بیستم است.

بدینسان مشاهده میشود که عال پیدایش جنبش مهاباد نه تنها از بین نرفته بلکه تشدید هم شده است. خلق کرد امسال در شرایطی بیست و چهارمین سال حکومت مهاباد را یاد میکند، که هنوز خون دهها فرزند مبارز مانند شریف زاده‌ها، معینی‌ها، آواره‌ها، زنگنه‌ها، در دشت‌ها و کوه‌های کردستان میجوشد. صدها خانواده در تعزیه‌ی فرزندان خود سیاه پوش هستند. صدها نفر از زحمت کشان کرد در زندانها و تبعیدگاههای رژیم دچار سرنوشت نامعلومی شده‌اند.

خلق کرد از شکست جنبش مهاباد، و همچنین از جنبش ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ درس‌های پر ارزشی گرفته است.

مهمترین آنها این است که بدون سازمان انقلابی، که دارای تئوری و نظریه انقلابی، باشد بدون وحدت و همکاری با سایر خلقهای ایران و نیروهای ملی و مترقی کشور بویژه بدون تکیه بر حزب طبقه کارگر ایران و اتحاد با آن نمیتواند به حقوق ملی خویش نائل شود با درس گرفتن از این تجربه واقعی خلق کرد

علاقه آنان را بسوی خود جلب میکرد مستعدترین آنان را در صفوف سازمان متشکل میساخت و به فعالیت در میان سایر دانش آموزان و دانشجویان سوق میداد. در مدت فعالیت ارانی در میان دانشجویان اعتصاب‌های متعددی در دانشکده‌های تهران انجام گرفت که برخی از آنها با کامیابی توأم بود.

متأسفانه دوران فعالیت سیاسی و انقلابی ارانی در ایران بس کوتاه بود. در اوایل سال ۱۳۱۶ شهربانی با استفاده از ضعف برخی افراد، ارانی و عده زیادی از یاران او رادستگیر کرد و سازمان جدید کمونیستی ایران را متلاشی ساخت.

جریبان دادرسی ارانی و یارانش نشان داد که اراده انقلابیون واقعی را با شکنجه و زندان نمیتوان درهم شکست. ارانی در دادگاه بجای دفاع شخصی به تشریح عقاید اجتماعی خود و یارانش پرداخت، باطل بودن قوانین حافظ منافع اقلیت، آلت دست بودن و بی اعتباری قوه مقننه، خود کامگی و فساد قوه مجریه و زبونی وی شخصیتی قوه قضائیه را با صراحتی کوبنده و شجاعتی کم نظیر نشان داد.

ارانی از عواقب این افشاگری بخوبی آگاه بود. او میدانست که قربانی قانون نامقدسی خواهد شد که جلادانی چون مختاری و بزرگ احمدی تنگ پاسداری آنرا بدوش میکشند. سر سختی و پایداری ارانی خشم درخیمان را چنان برانگیخته بود که فقط با آلودن دستان خود به جنایتی تازه میتوانستند آتش این کینه حیوانی را فرو نشانند و سی سال پیش این جنایت بزرگ انجام گرفت.

مسعود

قابل توجه!

از خوانندگان گرامی نشریات توده خواهشمندیم بهای نشریات را فقط با حواله بانکی ارسال دارند نه با حواله پستی موجب تشکر خواهد بود.

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.

همگام با همه نیروهای آزادیخواه و مترقی کشور، در راه آزادی و دموکراسی و ایجاد یک ایران آزاد و مستقل و دموکرات، دور از سیطره امپریالیسم و استعمار نو، و در راه بوجود آوردن یک حکومت ملی و دموکراتیک که حقوق ملی خلقهای ایران را برسمت بشناسد مبارزه خواهد کرد. و در این مبارزه از فداکاریها و جانبازیهای شهیدان جنبش دوم بهمن ماه مهاباد، و سایر شهداء راه آزادی ایران الهام خواهد گرفت.

ح. شیروان